



شکوفه بخندید

اگر مطالعه خواهد کسی بهشت برین را
بیا مطالعه کن گو به نوبهار زمین را
شگفت نیست گر از طین به درکند گل و نسرين
همان که صورت آدم کند سلاله طین را
حکیم بارخدایی که صورت گل خندان
درون غنچه ببندد چو در مشیمه جنین را
سزد که روی عبادت نهند بر در حُکمش
مصورى که تواند نگاشت نقش چنین را
نعیم خطه شیراز و لعبتان بهشتی
زهر دریچه نگه کن که حور بینی و عین را
گرفته راه تماشا بدیع چهره بتانی
که در مشاهده عاجز کنند بتگر چین را
کمان ابروی ترکان به تیر غمزه جادو
گشاده بر دل عشاق مستمند کمین را
هزار ناله بیدل ز هر کنار برآید
چون پرکنند غلامان شاه، خانه زین را
به هم برآمده آب از نهیب باد بهاری
مثال شاهد غضبان گره فکنده جبین را
مگر شکوفه بخندید و بوی عطر برآمد
که ناله در چمن افتاد بلبلان حزین را
بیار ساقی مجلس، بگوی مطرب مونس
که دیر شد که قرینان ندیده‌اند قرین را
هزاردستان بر گل سخن سرای چو سعدی
دعای صاحب عادل علاء دولت و دین را
در سخن به دو مصرع چنان لطیف ببندم
که شاید اهل معانی که ورد خود کند این را
بخور بیخش که دنیا به هیچ کار نیاید
جز آن که پیش فرستند روز بازپسین را

به مناسبت
اول
اردیبهشت،
روز سعدی